

چراکه یک روند مشخص می‌تواند تأثیرات کاملاً متفاوتی بر ابعاد مختلف زندگی ما داشته باشد و شاید بسیاری از این تأثیرات در نگاه نخست قابل کشف نباشد. کورنیش تحلیل روند را «بررسی یک روند با هدف کشف ماهیت، علل بروز، سرعت گسترش و پیامدهای بالقوه آن» دانسته است. تجزیه و تحلیل روند وجهی از تحلیل تکنیکال است که تلاش می‌کند تا حرکت آینده را براساس داده‌های مربوط به گذشته پیش‌بینی کند. تجزیه و تحلیل روند برپایه این ایده شکل گرفته است که هرچه در گذشته اتفاق افتاده، به سیاست‌گذاران علامتی از آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، می‌دهد. به شکل کلی سه نوع روند اصلی وجود دارد: کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت. معنی مصطلح روند شامل تغییراتی منظم، مستمر یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه زمانی است. ممکن است تغییرات مذکور به شکلی کیفی یا کمی باشد. مثلاً، به روند تغییرات جمعیت (کمی)، یا روند تغییر ارزش‌ها (کیفی) می‌توان اشاره کرد در صورتی که روند می‌بایست به‌طور جامع آینده را دستخوش تغییر کند نه اینکه اثرپذیر باشد. این ویژگی باعث می‌شود بتوان در فعالیت‌های آینده‌نگاری از آن استفاده کرد. (علی احمدی، ۱۳۸۰: ۹)

تجزیه و تحلیل روندها مخصوصاً برای سنجش کارایی سیاست‌گذاری و نمایان کردن مشکلات در حال وقوع، مفیدند. ضعف عمده این روش، ساده‌انگاری نهفته در آن است؛ یعنی در جهان واقع، پیش‌بینی آینده با تعقیب روند گذشته یک داده، به‌سادگی و به‌ندرت ممکن است. این روش بیشتر برای کنترل داده‌هایی با تغییرات ملایم، مثل اطلاعات و آمار جمعیتی مناسب است. مناسب‌تر است که این روش برای بررسی آینده موضوعاتی که نسبت به متغیرهای بیرونی، تغییرات ناگهانی یا سریع نشان می‌دهند (مثلاً قیمت ارز) صرفاً به‌عنوان یک بررسی مقدماتی و از دیگر روش‌های آینده‌پژوهی به‌عنوان روش پایه استفاده شود.